

رفتار دوگانه در قبال عادی سازی روابط با ارمنستان - یادداشت

تناقضی که در رویکرد و رفتار برخی در خصوص عادی سازی روابط با جمهوری ارمنستان در حالی که هنوز بخش هایی از خاک جمهوری آذربایجان در اشغال است مشاهده می شود می تواند از ماهیت کسانی که در طول 30 سال گذشته ایران را با بهانه های واهی به حمایت و یا رابطه با ارمنستان متهم می نمودند، پرده برداری نماید.



آران نیوز: جنگ دوم قره باغ که از ششم مهرماه سال گذشته بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان آغاز شد پس از 44 روز درگیری نظامی در تاریخ ۹ نوامبر (۱۹ آبان ۹۹)، با امضای بیانیه ای مشترک، توسط «ولادیمیر پوتین» رئیس جمهور روسیه، «الهام علی اف» رئیس جمهور جمهوری آذربایجان و «نیکل پاشینیان» نخست وزیر ارمنستان متوقف شد. بر اساس این توافق، ارمنستان موظف شد علاوه بر تخلیه اراضی اشغالی جمهوری آذربایجان در آغدام، کلبجر و لاجین، شرایط ایجاد یک مسیر زمینی از نخجوان به جمهوری آذربایجان را محیا کند. در مقابل جمهوری آذربایجان نیز متعهد گردید ضمن توقف عملیات های نظامی، کریدور لاجین را (به عرض پنج کیلومتر) برای اتصال قره باغ به خاک ارمنستان تضمین نماید و مقرر شد، روسیه نیروهای حافظ صلح خود را در مناطق همجوار قره باغ کوهستانی و مناطق مرزی جمهوری آذربایجان و ارمنستان در راستای اجرایی شدن این توافقنامه مستقر نماید.

در کشور جمهوری آذربایجان بر خی از سیاستمداران و صاحبان قلم در کنار برخی از مزدوران وابسته به دشمنان اسلام و مردم مسلمان این منطقه مانند رژیم صهیونیستی و آمریکا در طول 30 سال گذشته چشم بر حقایق و حمایت های بی منت جمهوری اسلامی ایران بسته و به بهانه هایی واهی و تکراری، ایران را به حمایت از ارمنستان متهم می کنند و اکنون نیز بعد از توافق آتش بس و توقف جنگ دست از این عادت کهنه خود بر نمی دارند. اما آنچه مسلم است و بر اساس شواهد و اسناد رسمی و غیر قابل انکار، جمهوری اسلامی ایران از آغاز بحران در اوایل دهه ۹۰ میلادی با تمام توان برای جلوگیری از تهدید شدن تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان و پیشروی های ارتش ارمنستان در خاک این کشور از هیچ کمکی دریغ نکرده و در شرایطی که چیزی از جنگ تحمیلی صدام حسین رئیس جمهور وقت عراق علیه ایران نمی گذشت از هزاران آواره آذربایجانی این جنگ حمایت و پشتیبانی نمود و در ادامه یک دیپلماسی فعالی را برای خاتمه بحران در دستور کار قرار داد و البته میانجیگری جمهوری اسلامی ایران نیز با طراحی دشمنان و به واسطه و با گرای عده ای خائن در داخل جمهوری آذربایجان که منجر به کارشکنی و سوء استفاده طرف ارمنی و حمله ناجوانمرده آنها شد به نتیجه نرسید.

بحث در خصوص سطح و نوع حمایت های آشکار و پنهان تهران از باکو بسیار مفصل است و تنها برای نمونه می توان به حمایت موثر و تعیین کننده رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران در قبل از پایان جنگ 44 روزه قره باغ (17 ربیع 2020) اشاره کرد که فرمودند: «این درگیری نظامی باید هرچه زودتر تمام شود؛ البته همه ی سرزمین های جمهوری آذربایجان که به وسیله ی ارمنستان تصرف شده باید آزاد شود و به آذربایجان برگردد». این جملات و حمایت رهبر جمهوری اسلامی ایران یک حمایت عادی و یا روزمره نیست و اصولا همانگونه که بخصوص سیاستمداران در سطوح بین المللی معترف به آن هستند این نوع سخنرانی از یک راهبرد مستحکم و تغییر ناپذیر جمهوری اسلامی ایران در حمایت از جمهوری آذربایجان حکایت دارد که از دهه 90 میلادی به تکرار به آن تاکید گردیده است. حال اگر حمایت ها و بخصوص فرمان ایشان در سخنرانی 17 ربیع را در خصوص لزوم آزادی همه سرزمین های اشغال شده جمهوری آذربایجان مورد توجه قرار دهیم به این نتیجه بسیار مهم می رسیم که این نوع مطالبه در سطح بسیار بالایی نسبت به آنچه که سیاسیون در خود جمهوری آذربایجان به آن اکتفا نمودند و مدتی است که بدون توجه به عدم آزادی کل قره باغ به دنبال عادی سازی روابط با ارمنستان هستند، می باشد، هرچند در پشت پرده عادی سازی روابط این کشور با جمهوری ارمنستان نیز احساس می شود که تامین منافع کشور های ثالث بر احقاق کامل حقوق مردم مسلمان جمهوری آذربایجان و آزادی کامل سرزمین های اسلام ارجحیت یافته است، برخی کشور ها که در طول 30 سال گذشته با فروش کالاهای خود در بازارهای ارمنستان به بازار و اقتصاد خود سامان داده اند امروز نیز در جهت تامین منافع ملی و توسعه و پیشرفت اقتصاد خود به دنبال تحمیل سیاست های خود در شمال رود ارس هستند.

پس از آزادی «آغدام» صداهایی از آمادگی باکو برای عادی سازی روابط باکو و ایروان شنیده شد و چنین سیاست هایی در راستای ایجاد مسیر زمینی بین جمهوری آذربایجان و جمهوری خود مختار نخجوان به عنوان یک مسیر ترانزیتی برای بهره برداری کشورهای ثالث در کنار اهالی آذربایجان معنی می شود تا از طرفی حمایت های مستقیم کشور ترکیه در این جنگ جبران شود و از طرفی دیگر از شدت نارضایتی افکار عمومی آذربایجان که از عدم آزادی کامل قره باغ ناشی می شود بکاهد و البته بند های توافقنامه امضاء شده در این خصوص نیز ابهامات بسیاری دارد.

در جریان نبرد بین ایروان و باکو، کمک هایی ترکیه به ارتش جمهوری آذربایجان با تبلیغات گسترده رسانه ای و به صورت افراطی در رسانه های آذربایجان به نمایش گذاشته شد و اکنون ظاهرا زمان مطالبه جبران این کمک ها با عادی سازی روابط با ارمنستان و احیای منافع ترکیه فرا رسیده است و رئیس جمهور ترکیه نیز در ۲۹ آگوست در بازگشت از سفر به بوسنی هرزگوین و در جمع خبرنگاران گفت: «ما آماده عادی سازی تدریجی روابط با ارمنستان هستیم و باید به جای اتهامات یک جانبه، مواضع واقع بینانه اتخاذ کرد».

البته عادی سازی روابط ترکیه و ارمنستان می تواند نقش مهمی در ارتقای اقتصاد ارمنستان بازی کند و به سیاست خارجی ارمنستان انعطاف بیشتری بدهد. و از طرف دیگر ترکیه نیز از طریق عادی سازی روابط با ارمنستان به دنبال توسعه نفوذ خود در قفقاز جنوبی است و در نهایت آنچه در حال فراموشی است خاک آزاد نشده قره باغ است.

جمهوری اسلامی ایران با رعایت حسن همجواری در حق همه همسایگان خود و بخصوص همسایگان شمال رود ارس، سعی بر این داشته است تا از تنش ها و اختلافات بین دو کشور همسایه که به نوعی فرزندان معنوی و تاریخی ایران کهن محسوب می شوند جلو گیری نماید و از طرفی دشمنی بین همسایگان نیز ابدی نیست و ما نیز به دنبال ادامه اختلاف و جنگ و مناقشه در سرزمین های شمالی رود ارس نیستیم همچنان که پس از جنگ هشت ساله دفاع مقدس که این روز ها در آستانه سالگرد حمله رژیم بعثی عراق به ایران نیز هستیم و در نهایت دو کشور ایران و عراق به دو کشور دوست تبدیل شده اند، ولی آنچه که نباید فراموش شود این مساله است که چرا سیاسیون و ترک گراهایی که در طول 30 سال گذشته مدام و با اتهام های واهی تهران را به حمایت و عادی سازی روابط با ارمنستان متهم می نمودند نسبت به عادی سازی روابط با این کشور چه از طرف دولت و چه از طرف سیاستمداران ترکیه واکنشی نشان نمی دهند، در حالی که هنوز بخش هایی از خاک جمهوری آذربایجان در اشغال است؟!

سیاست و رفتار دوگانه طیف ها و گروه های مختلف می تواند نشانه عدم صداقت و پنهان کاری آنها در موضوعات مختلف باشد و امروز این تناقض و دورویی در رویکرد و رفتار برخی در خصوص عادی سازی روابط با جمهوری ارمنستان در حالی که هنوز بخش هایی از خاک جمهوری آذربایجان در اشغال است به اوج خود رسیده است.

در این یادداشت نمی خواستیم به سوالات بسیار مهمی مانند چرایی پذیرش توافقنامه آتش بس قبل از آزادی کامل اراضی آذربایجان در حالی که ارتش و مردم مسلمان آذربایجان به تنهایی قادر به آزاد سازی آن بودند بپردازیم و یا بپرسیم در زمانی که امکان و قدرت آزاد سازی قره باغ برای مردم مسلمان این کشور وجود داشت چرا به این اندازه اقتدار مردم مسلمان جمهوری آذربایجان را با منت کمک های رژیم صهیونیستی و دیگر کشور ها خدشه دار کردند و زحمات و خون شهدای آزاد کننده این قطعه از خاک اسلام در کنار سرو

صدای ماشین تبلیغاتی و رسانه هادر خصوص جنگ افزارها ، دیده و شنیده نشد.

چه کسی می تواند ادعا کند که بدون رشادت شهیدان و رزمندگان مسلمان آذربایجان ، تجهیزات رژیم جعلی اسرائیل و یا جنگ افزار های ترکیه می توانستند شوشا را آزاد کنند؟! هرگز ! شوشا تنها با همت رزمندگان اسلام و دعای پدرها و مادران مسلمان آذربایجان آزاد شد و بس.

مهدی امیری